

ابتدا به کشورهای واقع شده در این حوزه جغرافیایی براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور اشاره شود. در این منطقه علاوه بر ایران، ۲۵ کشور دیگر شامل عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، مصر، رژیم اشغالگر صهیونیستی، امارات متحده عربی، کویت، عراق، قطر، اردن، بحرین، سوریه، فلسطین، لبنان، یمن، عمان، آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، ارمنستان و افغانستان حضور دارند. موضوع دیگری که برای مقایسه جایگاه اقتصادی ایران با کشورهای منطقه باید مورد توجه قرار گیرد، انتخاب شاخص‌های مناسب است. شاخص‌های مورد نظر باید اولاً مرتبط و هم‌سو با سند چشم‌انداز در زمینه رشد اقتصادی، سطح درآمد سرانه و اشتغال و نظایر آن باشند؛ ثانیاً از لحاظ کمی و کیفی دارای قابلیت مقایسه‌ای بین‌المللی بوده و از استاندارد لازم برخوردار باشند، به طوری که امکان مقایسه و سنجش را به طور منظم و مستمر و در طول دوره بیست‌ساله فراهم نمایند و ثالثاً به اندازه کافی فراگیر، جامع و سازگار باشند تا بتوان براساس آنها جایگاه واقعی کشور را در منطقه ارزیابی نمود.

در فصل حاضر، ابتدا با استفاده از تعداد معدودی شاخص‌های عمده اقتصادی، یک تصویر مقایسه‌ای از وضعیت کلی کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۷ ارائه می‌شود. سپس جایگاه ایران در مقایسه با کشورهای عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، مصر و رژیم اشغالگر صهیونیستی از منظر برخی از شاخص‌های عمده اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. کشورهای مزبور در حال حاضر به عنوان رقبای اقتصادی عمده و بالقوه کشور در سطح منطقه آسیای جنوب غربی مطرح بوده و سهم بالاتری نسبت به سایر کشورها در اقتصاد منطقه دارند.

در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی، از ایران به عنوان کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) نام برده شده است. برای دست یافتن به چنین جایگاهی مواردی چون جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.

دستیابی به این اهداف استراتژیک مستلزم بررسی دقیق وضعیت ایران، شناسایی نقاط ضعف و قوت آن در مقایسه با کشورهای منطقه، تعیین راه‌کارها و انتخاب برنامه‌های توسعه‌ای مناسب در طول دوره بیست‌ساله سند مزبور است. بدین منظور گزینش معیارهای مناسب برای ارزیابی اقدامات انجام شده در مسیر رسیدن به جایگاه نخست اقتصادی در منطقه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

ارزیابی جایگاه اقتصادی ایران براساس شاخص‌های کمی کلان معرفی شده از جمله نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ بیکاری و تورم و کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، می‌تواند چارچوب مناسبی را برای سنجش موقعیت اقتصادی کشور در مقایسه با سایر کشورهای منطقه طی دوره زمانی مورد نظر فراهم آورده و راه‌کارهایی را در جهت کاهش شکاف‌های موجود بین عملکرد و اهداف مورد نظر ارائه دهد.

به منظور بررسی وضعیت ایران در مسیر دستیابی به جایگاه اول اقتصادی منطقه آسیای جنوب غربی، لازم است در

جدول ۲۰-۱- مقایسه وضعیت کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۷ (۱)

رتبه	تولید سرانه (۲) مبلغ(دلار)	رشد سرمایه‌گذاری		رشد اقتصادی		جمعیت		
		رتبه	نرخ(درصد)	رتبه	نرخ(درصد)	رتبه	تعداد(هزار نفر)	
۷	۷۴۷۷	۸	۱۴/۰	۱	۱۹/۲	۱۰	۸۵۷۱	آذربایجان
۱۰	۴۹۰۳	۱۴	-۲/۳	۱۳	۶/۰	۱۳	۵۷۱۹	اردن
۸	۵۷۱۱	۱۱	۸/۸	۲	۱۳/۷	۱۸	۳۰۰۱	ارمنستان
۱۴	۲۴۲۵	۱۲	۸/۶	۵	۹/۵	۵	۲۶۸۶۸	ازبکستان
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۳	۱۳/۵	۰۰	۰۰	افغانستان
۴	۱۰۹۳۴	۶	۱۴/۴	۸	۷/۶	۴	۷۱۰۲۱	ایران (۳)
۱۳	۲۵۲۵	۴	۲۰/۶	۱۲	۶/۴	۱	۱۶۲۳۸۹	پاکستان
۱۷	۱۷۵۴	۱	۹۴/۲	۷	۷/۸	۱۲	۶۷۴۰	تاجیکستان
۳	۱۲۴۸۱	۱۳	۳/۳	۱۵	۴/۵	۳	۷۳۸۸۸	ترکیه
۱	۲۵۹۱۷	۷	۱۴/۲	۱۴	۵/۳	۱۱	۷۱۷۲	رژیم اشغالگر صهیونیستی
۱۲	۴۵۱۳	۱۰	۸/۸	۱۱	۶/۶	۸	۱۹۸۹۱	سوریه
۲	۲۲۹۰۷	۰۰	۰۰	۱۷	۳/۴	۶	۲۴۱۹۶	عربستان سعودی
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۲۰	۲۶۰۰	عمان
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۱۹	-۲/۵	۱۷	۳۸۶۹	فلسطین
۱۶	۱۹۸۰	۰۰	۰۰	۹	۷/۴	۱۴	۵۲۴۳	قرقیزستان
۵	۱۰۸۲۹	۹	۱۰/۰	۶	۸/۵	۹	۱۵۴۸۱	قزاقستان
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۲۱	۸۳۶	قطر
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۱۹	۲۶۶۳	کویت
۱۱	۴۶۶۷	۵	۱۹/۵	۴	۱۲/۴	۱۵	۴۳۹۶	گرجستان
۶	۱۰۱۱۲	۲	۳۸/۶	۱۸	۲/۰	۱۶	۴۰۹۷	لبنان
۹	۵۳۵۲	۳	۳۰/۱	۱۰	۷/۱	۲	۷۵۴۶۷	مصر
۱۵	۲۳۳۶	۰۰	۰۰	۱۶	۳/۶	۷	۲۲۳۸۳	یمن

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

۱- کشورهای امارات، بحرین، ترکمنستان و عراق به دلیل عدم وجود داده در نظر گرفته نشده‌اند.

۲- این ارقام براساس برابری قدرت خرید (PPP) ارائه شده است.

۳- به منظور مقایسه ارقام ایران با سایر کشورها، ارقام ایران نیز از منبع آماری بین‌المللی یکسان (WDI) استخراج شده است. بنابراین، با توجه به منابع آماری اصلی و روش مورد استفاده در ماخذ مزبور، ارقام ارائه شده برای ایران در این ماخذ، ممکن است با ارقام ارائه شده در منابع آماری داخلی متفاوت باشد.

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۶

ادامه جدول ۲۰-۱- مقایسه وضعیت کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۷

رتبه	نسبت تولید ناخالص داخلی به کل تولید منطقه (۵)		بیکاری (۴)		تورم	
	رتبه	سهام (درصد)	رتبه	نرخ (درصد)	رتبه	نرخ (درصد)
۳۳	۱۰	۱/۷	۳	۶/۵	۱۵	۱۶/۷
۱۰۱	۱۳	۰/۷	۰۰	۰۰	۴	۵/۴
۴۴	۱۶	۰/۴	۰۰	۰۰	۳	۴/۴
۱۳۸	۹	۱/۷	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰
۱۶۲	۱۴	۰/۷	۰۰	۰۰	۱۷	۲۱/۵
۱۴۲	۲	۲۰/۲	۷	۱۰/۵	۱۶	۱۷/۲
۷۷	۴	۱۰/۷	۱	۵/۳	۷	۷/۶
۱۵۹	۱۷	۰/۳	۰۰	۰۰	۱۳	۱۳/۱
۵۹	۱	۲۴/۰	۶	۹/۹	۸	۸/۸
۳۰	۶	۴/۸	۴	۷/۳	۱	۰/۵
۱۳۷	۸	۲/۳	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰
۱۶	۳	۱۴/۴	۲	۵/۶	۲	۴/۲
۵۷	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۶	۵/۹
۱۳۱	۰۰	۰۰	۹	۲۱/۳	۰۰	۰۰
۶۸	۱۸	۰/۳	۰۰	۰۰	۱۱	۱۰/۲
۷۰	۷	۴/۴	۵	۷/۳	۱۲	۱۰/۸
۳۷	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۱۴	۱۳/۸
۵۲	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۵	۵/۵
۱۵	۱۵	۰/۵	۸	۱۳/۳	۹	۹/۲
۹۹	۱۲	۱/۱	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰
۱۱۴	۵	۱۰/۵	۰۰	۰۰	۱۰	۹/۳
۹۸	۱۱	۱/۴	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰

۴- ماخذ: <http://Laborsta.ilo.org>

۵- این ارقام براساس برابری قدرت خرید (PPP) ارائه شده است.

۶- ماخذ: www.doingbusiness.org

۲۰-۱ - مقایسه وضعیت کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۷

سرمایه‌گذاری به عنوان پشتوانه‌ای از تولید، از شاخص‌های مهم دیگری است که در بیشتر تحلیل‌ها برای مقایسه وضعیت اقتصادی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. کشورهای تاجیکستان و لبنان بیشترین رشد سرمایه‌گذاری را در سال ۲۰۰۷ داشتند. در مقابل، کشورهای اردن و ترکیه به ترتیب با رشد ۲/۳- و ۳/۳ درصد پایین‌ترین رتبه را در منطقه دارا بودند. ایران نیز با رشد سرمایه‌گذاری ۱۴/۴ درصد در رتبه ششم قرار داشت.

تولید ناخالص داخلی سرانه معیاری برای تعیین سطح زندگی در کشورها است. براساس محاسبات «گزارش نماگرهای توسعه جهانی»^(۱) در سال ۲۰۰۷، رژیم اشغالگر صهیونیستی و عربستان سعودی به ترتیب با تولید ناخالص داخلی سرانه (براساس برابری قدرت خرید) ۲۵۹۱۷ و ۲۲۹۰۷ دلار بالاترین رتبه را در میان کشورهای منطقه دارا بودند. پس از آنها با اختلاف زیادی کشورهای ترکیه و ایران با ۱۲۴۸۱ و ۱۰۹۳۴ دلار در جایگاه‌های بعدی قرار داشتند. یمن و قرقیزستان نیز در پایین‌ترین سطح قرار گرفتند.

نرخ تورم نیز از شاخص‌های مهمی است که برای بررسی ثبات و کارایی اقتصادی در کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سال مورد بررسی، رژیم اشغالگر صهیونیستی با نرخ تورم ۰/۵ درصد پایین‌ترین نرخ تورم را در میان کشورهای منطقه دارا بود. پس از آن، عربستان سعودی با نرخ تورم ۴/۲ درصدی رتبه دوم را کسب کرد. ایران نیز با ۱۷/۲ درصد دارای نرخ تورم بالا در منطقه است.

نرخ بیکاری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی کشورها می‌باشد. متأسفانه نواقصی در آمار مربوط به

برای تعیین جایگاه اقتصادی ایران در منطقه، وضعیت کلیه کشورها از نظر هشت شاخص عمده و براساس آخرین آمارهای موجود در منابع معتبر بین‌المللی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. شاخص‌های انتخابی عبارت از جمعیت، رشد اقتصادی، رشد سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ تورم، نرخ بیکاری، سهم تولید ناخالص داخلی هر کشور از کل تولید کشورهای منطقه و شاخص سهولت کسب و کار می‌باشند. البته بهبود یک شاخص اقتصادی تنها برای یک سال نمی‌تواند معیار مناسبی برای قضاوت در مورد بهبود وضعیت کلی اقتصادی یک کشور باشد، بلکه لازم است روند باثبات مجموعه شاخص‌های اقتصادی هر کشور طی سال‌های متمادی مورد توجه قرار گیرد.

شاخص جمعیت معمولاً به عنوان معیار مناسبی از اندازه کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. بررسی شاخص‌های مختلف اقتصادی با توجه به شاخص جمعیت دیدگاه بهتری را در مقایسه وضعیت اقتصادی کشورها با یکدیگر فراهم می‌آورد. پاکستان با جمعیتی به میزان ۱۶۲ میلیون نفر بالاترین جمعیت را در میان کشورهای منطقه دارا است. پس از آن مصر، ترکیه و ایران با اختلاف زیادی در رده‌های بعدی قرار دارند. عربستان سعودی با جمعیت ۲۴ میلیون نفر و رژیم اشغالگر صهیونیستی با جمعیت ۷ میلیون نفر به ترتیب در رتبه‌های ششم و یازدهم قرار گرفته‌اند.

رشد تولید ناخالص داخلی، روند تولید و استفاده هرچه بیشتر از ظرفیت‌های اقتصادی را بیان می‌کند. آذربایجان و ارمنستان به ترتیب با ۱۹/۲ و ۱۳/۷ درصد بالاترین رشد اقتصادی را در میان کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۷ دارا بودند. پایین‌ترین رشد نیز متعلق به کشورهای فلسطین، لبنان و عربستان سعودی بود. ایران با رشد اقتصادی ۷/۶ درصد، رتبه هشتم را در منطقه به خود اختصاص داد.

۱- World Development Indicators(WDI)

۲۰-۲- مقایسه شاخص‌های اقتصادی ایران با کشورهای

منتخب منطقه^(۱)

در این بخش جایگاه اقتصادی ایران در میان رقبای عمده و بالقوه منطقه شامل عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، مصر و رژیم اشغالگر صهیونیستی طی دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۷ مورد بررسی قرار می‌گیرد. کشورهای مورد نظر بیشترین سهم از مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه را کسب کرده و در اکثر شاخص‌ها از شرایط مناسب‌تری نسبت به سایر کشورها برخوردار هستند. شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی در این بخش، تصویر مقایسه‌ای مناسبی از وضعیت موجود و روند تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در سطح منطقه ارائه می‌کند. در مجموع، دوازده شاخص منتخب به همراه شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد در این مطالعه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. شایان ذکر است در کلیه نمودارها وضعیت ایران با کشور اول رقیب که از نظر شاخص مورد بررسی بهترین وضعیت را در میان سایر کشورهای منطقه در هر سال دارد، مقایسه شده است. در مورد شاخص‌های نرخ تورم، نرخ بیکاری، رشد نقدینگی و نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی، پایین‌ترین رقم و در مورد سایر شاخص‌ها بالاترین رقم، به عنوان بهترین وضعیت در نظر گرفته شده است.

۲۰-۲-۱- رشد اقتصادی

رشد تولید ناخالص داخلی بیانگر افزایش در تولید کالاها و خدمات در بخش‌های مختلف اقتصادی با استفاده از ظرفیت‌های موجود در هر کشور است. رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ همواره مثبت بوده و پایین‌ترین میزان آن مربوط به سال ۲۰۰۵ با ۴/۶ درصد و بالاترین میزان آن مربوط به سال ۲۰۰۷ با ۷/۶ درصد بوده است. رشد اقتصادی کشور طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ روند نزولی

این شاخص در منابع بین‌المللی وجود دارد و بیشتر کشورهای مورد بررسی در سال ۲۰۰۷ فاقد آمار هستند. براساس آمارهای موجود در سال ۲۰۰۷، پاکستان و عربستان سعودی به ترتیب با ۵/۳ و ۵/۶ درصد کمترین نرخ بیکاری را در میان کشورهای منطقه دارا بودند. کشورهای فلسطین و گرجستان نیز پایین‌ترین رتبه را در نرخ بیکاری کسب کردند. ایران با دارا بودن نرخ بیکاری ۱۰/۵ درصد در سال ۲۰۰۷ رتبه هفتم را کسب کرد.

شاخص دیگری که در این بخش مورد استفاده قرار گرفته است، سهم هریک از کشورها از مجموع تولید ناخالص داخلی (براساس برابری قدرت خرید) کشورهای منطقه است. چنانچه مشاهده می‌شود ترکیه با ۲۴، ایران با ۲۰/۲ و عربستان سعودی با ۱۴/۴ درصد بیشترین سهم را در منطقه دارند. در مقابل، قرقیزستان، تاجیکستان و ارمنستان کمترین سهم را در مقایسه با سایر کشورهای منطقه کسب کردند.

مناسب بودن فضای کسب و کار از اهمیت بالایی در رونق فعالیت‌های اقتصادی کشورها برخوردار بوده و منجر به افزایش سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال‌زایی می‌گردد. برای بررسی و مقایسه جایگاه کشورها در فضای کسب و کار عموماً شاخص سهولت کسب و کار که توسط گروه بانک جهانی تهیه می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. رتبه بالاتر یک کشور در این شاخص به معنای وضعیت مناسب‌تر قوانین و مقررات موجود برای کسب و کار در آن کشور است. در دوره ۲۰۰۷-۰۸، کشورهای گرجستان و عربستان سعودی به ترتیب با کسب رتبه‌های ۱۵ و ۱۶ در میان ۱۸۱ کشور جهان، در بالاترین رتبه‌های منطقه قرار گرفتند. در مقابل، تاجیکستان با کسب رتبه ۱۵۹ و افغانستان با کسب رتبه ۱۶۲ پایین‌ترین رتبه‌های منطقه را به خود اختصاص دادند. ایران از منظر فضای کسب و کار رتبه ۱۴۲ جهان را کسب کرد.

۱- تفاوت در برخی ارقام در گزارش موجود با گزارش سال ۱۳۸۵ ناشی از تفاوت‌های موجود در آخرین ارقام ارائه شده توسط منبع آماری مورد استفاده در مقایسه با سال قبل می‌باشد.

۲۰-۲-۲- تولید ناخالص داخلی

از جمله شاخص‌هایی که برای سنجش قدرت اقتصادی کشورها به شکل وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تولید ناخالص داخلی است. براساس آمار بین‌المللی موجود، میزان تولید ناخالص داخلی ایران براساس برابری قدرت خرید طی دوره مورد بررسی همواره در حال افزایش بوده است. ایران در سال ۲۰۰۷ در بین کشورهای عمده منطقه، رتبه دوم پس از کشور ترکیه را کسب کرده است. پایین‌ترین رتبه نیز طی دوره مورد بررسی همواره به رژیم اشغالگر صهیونیستی اختصاص داشته است. نکته قابل توجه آنکه کشورهای رقیب در منطقه در سال ۲۰۰۷ بیشترین سهم را در مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه داشته‌اند؛ به طوری که کشورهای ترکیه، ایران، عربستان سعودی، پاکستان، مصر و رژیم اشغالگر صهیونیستی به ترتیب با سهم‌های ۲۴، ۲۰/۳، ۱۴/۴، ۱۰/۷، ۱۰/۵ و ۴/۸ درصد رتبه اول تا ششم را به خود اختصاص دادند.

داشته و سپس در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ مجدداً روند افزایشی خود را از سر گرفته است. طی دوره مورد بررسی، رتبه ایران در بین رقبای منطقه‌ای متناسب با میزان رشد اقتصادی در نوسان بوده است؛ به طوری که در سال ۲۰۰۵ (اولین سال دوره زمانی مورد نظر سند چشم‌انداز)، ایران پس از مصر پایین‌ترین نرخ رشد را در بین کشورهای مورد بررسی داشته است؛ لیکن با افزایش نرخ رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۷، به بالاترین جایگاه دست یافته است. شایان ذکر است با وجود این برتری در میان کشورهای رقیب، ایران در سال ۲۰۰۷ رتبه هشتم را در منطقه کسب کرد. کشورهای عربستان سعودی، ترکیه و رژیم اشغالگر صهیونیستی نیز در پایین‌ترین رتبه‌های منطقه قرار گرفتند. دلیل این امر می‌تواند رشد سریع و مقطعی اقتصاد کشورهای نوظهور در منطقه باشد که در سطوح اولیه رشد اقتصادی قرار دارند و از ظرفیت‌های خالی بیشتری برای تولید و سرمایه‌گذاری برخوردار می‌باشند.

جدول ۲۰-۲- رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)

	سال				
	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳
ایران (۱)	۷/۶	۵/۹	۴/۶	۵/۱	۷/۱
عربستان سعودی	۳/۴	۳/۲	۵/۶	۵/۳	۷/۷
ترکیه	۴/۵	۶/۹	۸/۴	۹/۴	۵/۳
پاکستان	۶/۴	۶/۹	۷/۷	۷/۴	۴/۸
مصر	۷/۱	۶/۸	۴/۴	۴/۱	۳/۲
رژیم اشغالگر صهیونیستی	۵/۳	۵/۲	۶/۵	۴/۸	۱/۵

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

۱- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نرخ رشد اقتصادی برای سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ به ترتیب معادل ۷/۸، ۶/۴، ۶/۹، ۶/۶ و ۶/۷ درصد بوده است.

جدول ۲۰-۳- تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)

	سال				
	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳
ایران	۷۷۷	۷۰۳	۶۴۴	۵۹۷	۵۵۲
عربستان سعودی	۵۵۴	۵۲۲	۴۹۱	۴۵۱	۴۱۷
ترکیه	۹۲۲	۸۴۲	۷۴۷	۶۸۹	۵۸۸
پاکستان	۴۱۰	۳۷۵	۳۴۰	۳۰۷	۲۷۸
مصر	۴۰۴	۳۶۷	۳۳۳	۳۱۰	۲۸۹
رژیم اشغالگر صهیونیستی	۱۸۶	۱۷۲	۱۵۸	۱۴۴	۱۳۴

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

نمودار ۲۰-۲- تولید ناخالص داخلی در ایران و کشور اول رقیب

در منطقه (میلیارد دلار)



نمودار ۲۰-۱- رشد تولید ناخالص داخلی در ایران و کشور اول رقیب

در منطقه (درصد)



گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۶

جدول ۲۰-۴- تولید ناخالص داخلی سرانه
(براساس برابری قدرت خرید)

سال		سال				
		۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳
ایران		۱۰۹۳۴	۱۰۰۳۱	۹۳۱۴	۸۷۷۱	۸۲۴۰
عربستان سعودی		۲۲۹۰۷	۲۲۰۵۳	۲۱۲۲۰	۲۰۰۲۴	۱۸۸۹۶
ترکیه		۱۲۴۸۱	۱۱۵۳۵	۱۰۳۷۰	۹۶۸۸	۸۳۲۲
پاکستان		۲۵۲۵	۲۳۶۱	۲۱۸۴	۲۰۱۷	۱۸۷۲
مصر		۵۳۵۲	۴۹۵۳	۴۵۷۴	۴۳۲۹	۴۱۱۶
رژیم اشغالگر صهیونیستی		۲۵۹۱۷	۲۴۴۰۵	۲۲۸۸۶	۲۱۲۳۶	۲۰۰۴۰

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

۲۰-۲-۴- سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی

سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخصی برای سنجش توسعه صنعتی ارزیابی شده و بیانگر قابلیت‌ها و امکانات صنعتی اقتصاد کشورها است. براساس آمار موجود، سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی ایران طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ صعودی بوده اما در سال ۲۰۰۷ با کاهش روبه‌رو شده است. ایران به‌جز در سال ۲۰۰۴، همواره پس از عربستان سعودی در بین کشورهای رقیب (به غیر از رژیم اشغالگر صهیونیستی) رتبه دوم را کسب کرده است. براساس آمار موجود، طی سه سال اخیر عربستان سعودی بالاترین و پاکستان پایین‌ترین نسبت مذکور را به خود اختصاص داده‌اند.

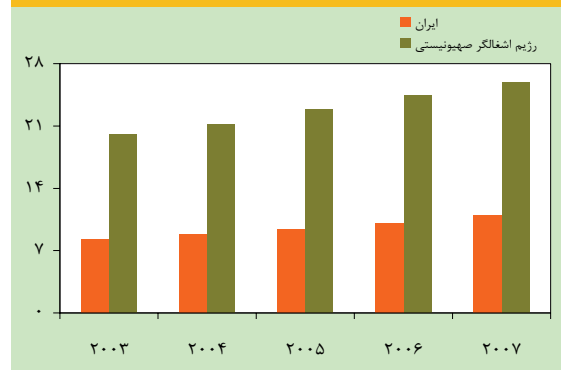
۲۰-۲-۳- تولید ناخالص داخلی سرانه

در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران همواره در حال افزایش بوده و براساس برابری قدرت خرید از ۸۲۴۰ دلار در سال ۲۰۰۳ به ۱۰۹۳۴ دلار در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است. با این حال، ایران از این حیث در بین کشورهای مورد بررسی در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ در رتبه چهارم قرار داشته است. رژیم اشغالگر صهیونیستی و عربستان سعودی در سال ۲۰۰۷ به ترتیب با ۲۵۹۱۷ و ۲۲۹۰۷ دلار با فاصله بسیار زیاد از سایر کشورها در رتبه‌های اول و دوم قرار داشتند. بخشی از این برتری نسبی کشورهای یاد شده ناشی از جمعیت به مراتب کمتر آنها در مقایسه با کشورهای دیگر است؛ به طوری که رژیم اشغالگر صهیونیستی رتبه ششم و عربستان سعودی رتبه پنجم را از نظر میزان جمعیت در میان شش کشور مذکور دارا هستند. پاکستان نیز در این شاخص در وضعیت نامناسبی قرار داشت، به طوری که طی دوره مورد بررسی همواره پایین‌ترین رتبه را در میان کشورهای رقیب عمده داشته است و در سال ۲۰۰۷ رتبه سیزدهم را در کل منطقه دارا بود. پاکستان بالاترین میزان جمعیت را در منطقه دارد و این امر سبب شده است که با وجود سهم بالای این کشور از مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه، جایگاه پایینی را در تولید ناخالص داخلی سرانه داشته باشد.

نمودار ۲۰-۴- نسبت ارزش افزوده بخش صنعت به تولید ناخالص داخلی در ایران و کشور اول رقیب در منطقه (درصد)



نمودار ۲۰-۳- تولید ناخالص داخلی سرانه در ایران و کشور اول رقیب در منطقه (هزار دلار)



جدول ۲۰-۵- نسبت ارزش افزوده بخش صنعت

به تولید ناخالص داخلی (درصد)					کشور
سال					
۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	
۴۱/۵	۴۴/۶	۴۴/۶	۴۲/۷	۴۱/۰	ایران
۶۵/۴	۶۴/۶	۶۳/۲	۲۰/۴	۵۴/۴	عربستان سعودی
۲۸/۳	۲۸/۷	۲۸/۵	۲۸/۵	۲۸/۶	ترکیه
۲۶/۸	۲۷/۲	۲۷/۱	۲۷/۰	۲۳/۹	پاکستان
۳۵/۵	۳۸/۴	۳۶/۳	۳۶/۹	۳۵/۷	مصر
∞	∞	∞	∞	∞	رژیم اشغالگر صهیونیستی

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

۲۰-۲-۵- رشد سرمایه‌گذاری

نمودار ۲۰-۵- رشد سالانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ایران و کشور اول رقیب در منطقه (درصد)



۲۰-۲-۶- نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید

ناخالص داخلی

سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از تولید ناخالص داخلی از متغیرهای مهم اقتصاد کلان بوده و نشان‌دهنده توان بالقوه اقتصاد برای رشد و توسعه در آینده است. علی‌رغم کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری در ایران طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶، نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی کشور طی دوره مورد بررسی بین ۲۷/۱ تا ۳۱ درصد در نوسان بوده و همواره رتبه نخست را با اختلاف قابل ملاحظه با رقبای در بین کشورهای عمده منطقه دارا بوده است. عدم تناسب موجود بین رشد اقتصادی و میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را می‌توان عمدتاً ناشی از پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید و کارایی سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصادهای متکی به بخش دولتی تلقی کرد. در سال‌های اخیر، رژیم اشغالگر صهیونیستی پایین‌ترین نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی را در میان کشورهای رقیب داشته است.

جدول ۲۰-۷- نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

به تولید ناخالص داخلی (درصد)					کشور
سال					
۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	
۳۱/۰	۲۶/۷	۲۷/۱	۲۸/۶	۲۸/۷	ایران
۲۰/۰	۱۷/۵	۱۶/۵	۱۶/۷	۱۸/۴	عربستان سعودی
۲۱/۵	۲۲/۳	۲۱/۰	۲۰/۳	۱۷/۰	ترکیه
۲۱/۴	۲۰/۱	۱۷/۵	۱۵/۰	۱۵/۱	پاکستان
۲۱/۹	۱۸/۷	۱۷/۹	۱۶/۴	۱۶/۳	مصر
۱۸/۵	۱۷/۱	۱۶/۳	۱۶/۷	۱۷/۱	رژیم اشغالگر صهیونیستی

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

سرمایه‌گذاری پستوانه‌ای برای تولید در آینده بوده و تغییرات روند آن می‌تواند مبنایی برای پیش‌بینی تغییرات تولید ناخالص داخلی در سال‌های آینده تلقی شود. براساس آمار موجود، نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ایران با روند نزولی از ۱۰/۸ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۵/۳ درصد در سال ۲۰۰۶ تنزل نمود و سپس در سال ۲۰۰۷ دوباره افزایش یافت و به ۱۴/۴ درصد رسید. در نتیجه، رتبه ایران که از این لحاظ در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ در بین کشورهای رقیب در رده آخر قرار گرفته بود، در سال ۲۰۰۷ بهبود یافت. بالاترین نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به ترتیب به کشورهای پاکستان با ۱۷/۶ درصد و مصر با ۳۰/۱ درصد تعلق داشت که اختلاف بسیار زیادی با میزان نرخ رشد سرمایه در ایران دارد. ایران با وجود رشد قابل توجه تشکیل سرمایه در سال ۲۰۰۷ نسبت به سال ۲۰۰۶، رتبه ششم را در میان کشورهای منطقه کسب کرد.

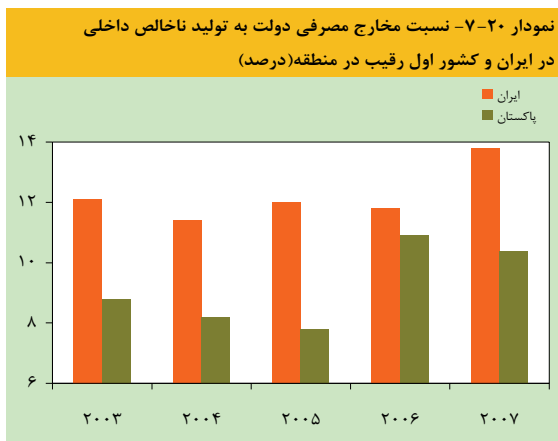
جدول ۲۰-۶- رشد سالانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

سال					کشور
۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	
۱۴/۴	۵/۳	۵/۸	۷/۰	۱۰/۸	ایران (۱)
∞	∞	∞	∞	۱۴/۸	عربستان سعودی
۳/۳	۱۳/۳	۱۷/۴	۲۸/۴	۱۴/۲	ترکیه
۲۰/۶	۱۷/۶	۱۳/۵	-۶/۱	۴/۱	پاکستان
۳۰/۱	۱۳/۸	۱۱/۵	۸/۸	-۸/۷	مصر
∞	∞	∞	∞	∞	رژیم اشغالگر صهیونیستی

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

۱- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نرخ رشد سالانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برای سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ به ترتیب معادل ۱۲/۳، ۹/۲، ۸/۷، ۳/۰ و ۶/۶ درصد بوده است.

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۶



۲۰-۲-۸- رشد نقدینگی

اگرچه نقدینگی به عنوان موتور محرک تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد مطرح می‌شود، چنانچه رشد آن متناسب با نیازهای واقعی اقتصاد نباشد می‌تواند موجب بی‌ثباتی قیمت‌ها و افزایش نرخ تورم در کشور گردد. به همین دلیل، مقامات پولی کشورها همواره مدیریت و کنترل نقدینگی را در سیاست‌گذاری‌های پولی مد نظر قرار می‌دهند تا بدین ترتیب از تبعات تورمی رشد آن جلوگیری نمایند. براساس آمار منبع بین‌المللی، رشد نقدینگی در کشور که طی یک روند کاهشی به ۲۲/۸ درصد در سال ۲۰۰۵ رسیده بود، با افزایش چشمگیر در سال ۲۰۰۶ به ۲۹/۱ درصد رسید. رشد مزبور طی سال ۲۰۰۷ به ۳۰/۶ درصد افزایش یافت و در سطحی بالاتر از کشورهای مورد مطالعه قرار گرفت. کمترین نرخ رشد نقدینگی طی این دوره پنج‌ساله همواره به رژیم اشغالگر صهیونیستی تعلق داشته است؛ به طوری که حتی در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ رشد نقدینگی منفی بوده است.

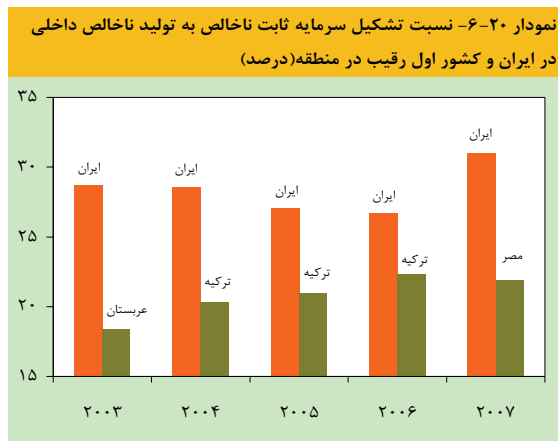
جدول ۲۰-۹- رشد نقدینگی (درصد)

سال	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳
ایران (۱)	۳۰/۶	۲۹/۱	۲۲/۸	۲۳/۰	۲۴/۵
عربستان سعودی	۲۰/۱	۲۰/۴	۱۳/۲	۱۷/۳	۸/۵
ترکیه	۱۵/۲	۳۲/۶	۲۵/۱	۲۰/۸	۱۴/۴
پاکستان	۱۹/۵	۱۴/۶	۱۶/۵	۲۰/۵	۱۷/۵
مصر	۱۹/۱	۱۵/۰	۱۱/۵	۱۵/۱	۲۲/۵
رژیم اشغالگر صهیونیستی	-۴/۴	۵/۱	۱۱/۲	۳/۶	-۰/۱

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

۱- براساس آمار بانک مرکزی، رشد نقدینگی برای سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ به ترتیب برابر ۲۶/۱، ۲۰/۲، ۳۰/۲، ۳۴/۳، ۳۹/۴ و ۲۷/۷ درصد بوده است.

۲- این رقم از منبع آماری (IFS) International Financial Statistics منتشر شده در نوامبر ۲۰۰۸ استخراج شده است.



۲۰-۲-۷- نسبت مخارج مصرفی دولت به

تولید ناخالص داخلی

نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی شاخصی از سهم دولت در مصرف کل اقتصاد است که متناسب با میزان حضور آن در بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی متغیر است. مخارج مصرفی نهایی دولت عمومی همه هزینه‌های جاری دولت بابت خرید کالاها و خدمات (شامل پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان) را در بر می‌گیرد. همچنین، بیشتر مخارج دولت در حوزه دفاع و امنیت ملی به‌جز مخارج تشکیل سرمایه این بخش، در این آمار منعکس می‌شود. نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی در ایران در سال ۲۰۰۷ معادل ۱۳/۸ درصد بود. بالاترین نسبت مذکور همواره به رژیم اشغالگر صهیونیستی و سپس به عربستان سعودی تعلق داشته است. پاکستان نیز همواره پایین‌ترین رتبه را در میان کشورهای رقیب کسب کرده است.

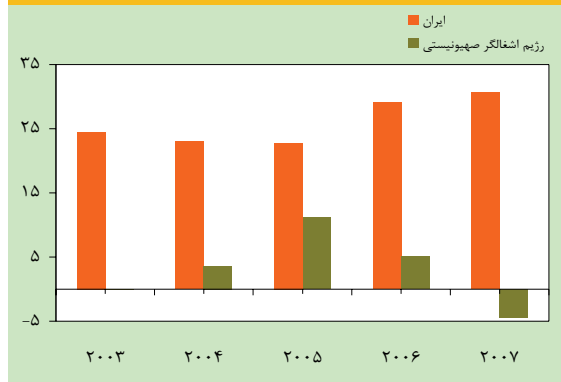
جدول ۲۰-۸- نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی (درصد)

سال	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳
ایران	۱۳/۸	۱۱/۸	۱۲/۰	۱۱/۴	۱۲/۱
عربستان سعودی	۲۲/۵	۲۳/۳	۲۲/۲	۲۳/۶	۲۴/۶
ترکیه	۱۲/۲	۱۲/۳	۱۱/۸	۱۱/۹	۱۲/۲
پاکستان	۱۰/۴	۱۰/۹	۷/۸	۸/۲	۸/۸
مصر	۱۱/۲	۱۲/۳	۱۲/۷	۱۲/۸	۱۲/۷
رژیم اشغالگر صهیونیستی	۲۵/۶	۲۶/۰	۲۶/۳	۲۷/۵	۲۸/۹

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

با اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب از ۲۵/۳ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۸/۸ درصد در سال ۲۰۰۷ تنزل پیدا کرد. طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷، بیشترین نرخ تورم به ایران و کمترین نرخ به عربستان سعودی و رژیم اشغالگر صهیونیستی تعلق داشت.

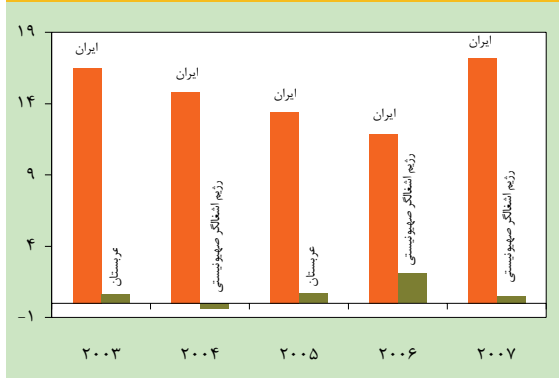
نمودار ۲۰-۸- رشد نقدینگی در ایران و کشور اول رقیب در منطقه (درصد)



۲۰-۲-۹- نرخ تورم

کنترل نرخ تورم همواره یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. نرخ بالای تورم مانعی برای توسعه اقتصادی بوده و اثرات مخربی بر روی قیمت‌های نسبی و کارایی اقتصادی دارد که از جمله آنها می‌توان به بروز ناطمینانی در فعالیت‌های اقتصادی، تضعیف سرمایه‌گذاری و اختلال در برنامه‌ریزی بنگاه‌های اقتصادی اشاره کرد. ایران همواره یکی از بالاترین نرخ‌های تورم را در منطقه داشته است.

نمودار ۲۰-۹- نرخ تورم در ایران و کشور اول رقیب در منطقه (درصد)



۲۰-۲-۱۰- نرخ بیکاری

براساس آمار موجود، نرخ بیکاری در ایران طی سال‌های مورد بررسی همواره یکی از بالاترین نرخ‌های بیکاری در بین کشورهای عمده منطقه بوده است. کمترین نرخ بیکاری طی سال‌های مورد نظر عمدتاً به کشورهای عربستان سعودی و پاکستان اختصاص داشته است. کشور پاکستان با وجود جمعیت بسیار زیاد، در بین کل کشورهای منطقه نیز کمترین نرخ بیکاری را در سال ۲۰۰۷ به دست آورده است. در مقابل، ایران در مجموع کشورهای منطقه به لحاظ نرخ بیکاری در شرایط مناسبی نبوده و رتبه پایینی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۲۰-۱۰- نرخ تورم (درصد)

کشور	سال				
	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳
ایران (۱)	۱۷/۲	۱۱/۹	۱۳/۴	۱۴/۸	۱۶/۵
عربستان سعودی	۴/۲	۲/۲	۰/۷	۰/۳	۰/۶
ترکیه	۸/۸	۱۰/۵	۱۰/۱	۱۰/۶	۲۵/۳
پاکستان	۷/۶	۷/۹	۹/۱	۷/۴	۲/۹
مصر	۹/۳	۷/۶	۴/۹	۱۱/۳	۴/۵
رژیم اشغالگر صهیونیستی	۰/۵	۲/۱	۱/۳	-۰/۴	۰/۷

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

۱- براساس آمار بانک مرکزی، نرخ تورم بر پایه سال ۱۳۸۳ برای سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ به ترتیب برابر ۱۵/۶، ۱۵/۲، ۱۰/۴، ۱۱/۹ و ۱۸/۴ درصد بوده است.

جدول ۲۰-۱۱- نرخ بیکاری (درصد)

کشور	سال				
	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳
ایران (۱)	۱۰/۵ ^(۳)	∞	۱۱/۵	۱۰/۳	∞
عربستان سعودی	۵/۶ ^(۴)	۶/۲	∞	∞	∞
ترکیه	۹/۹ ^(۲)	۹/۹ ^(۳)	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۵
پاکستان	۵/۳ ^(۲)	۶/۲ ^(۳)	۷/۷	۷/۴	۸/۳
مصر	∞	۱۰/۶ ^(۳)	۱۱/۲ ^(۳)	۱۰/۷	۱۰/۴
رژیم اشغالگر صهیونیستی	۷/۳ ^(۳)	۸/۴ ^(۳)	۹/۰	۱۰/۴	۱۰/۷

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۸

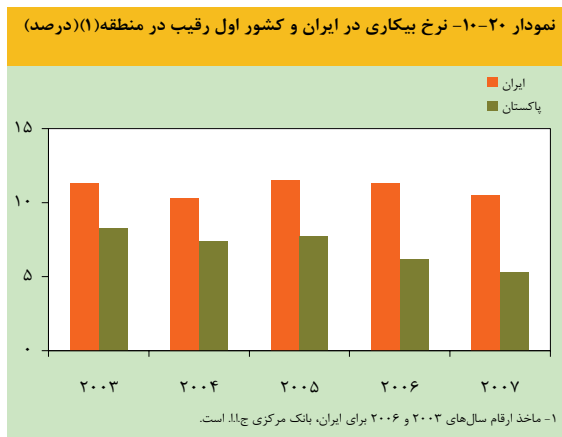
۱- براساس ارقام مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در ایران برای سه ماهه چهارم سال ۱۳۸۲ و سه ماهه سوم سال ۱۳۸۳ به ترتیب برابر ۱۱/۳ و ۱۰/۳ درصد و برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ به ترتیب برابر ۱۱/۵، ۱۱/۳ و ۱۰/۵ درصد بوده است.

۲- منبع این آمار LABORSTA Internet سازمان بین‌المللی کار (ILO) می‌باشد.

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۶

معادل ۳۸/۳۵ درصد پس از ترکیه وضعیت بدتری نسبت به کشورهای مصر و پاکستان دارد.

در مورد توزیع درآمد بین دهک‌های درآمدی نیز ایران در وضعیت مناسبی قرار ندارد؛ به طوری که ۴۵/۱ درصد از درآمد در اختیار دو دهک بالای درآمدی (خانوارهای با درآمد بالا) قرار گرفته است. در مقابل، سهم چهار دهک پایین درآمدی (خانوارهای کم‌درآمد) در ایران در سال ۲۰۰۵ فقط ۱۷/۴ درصد از کل درآمد بود. کشور پاکستان از این نظر نیز در وضعیت بهتری نسبت به کشورهای ایران، ترکیه و مصر قرار دارد؛ به طوری که خانوارهای کم‌درآمد ۲۲ درصد و خانوارهای با درآمد بالا ۴۰/۸ درصد از کل درآمد را به خود اختصاص داده‌اند. ترکیه از این نظر در بدترین وضعیت بوده، به طوری که سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد فقط ۱۵ درصد از کل درآمد و سهم خانوارهای با درآمد بالا ۴۸/۸ درصد بوده است. همچنین، براساس نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، ترکیه و ایران به ترتیب با نسبت‌های ۱۷/۴ و ۱۱/۷ برابر، بدترین شرایط را در بین کشورهای مورد بررسی دارند.



۲۰-۲-۱۱- شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد

یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاران اقتصادی در هر کشور ارتقای کیفیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی در جامعه است. شاخص‌های توزیع درآمد در دهک‌های مختلف درآمدی و ضریب جینی می‌توانند معیارهای مناسبی برای ارزیابی میزان نابرابری توزیع درآمد در سطح جامعه باشند. براساس آمارهای موجود، کشور پاکستان کمترین ضریب جینی را در میان کشورهای رقیب در منطقه به خود اختصاص داده است. ایران با ضریب جینی

جدول ۲۰-۱۲- شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد (۱)

شاخص	ایران	عربستان سعودی	ترکیه (۲)	پاکستان	مصر	رژیم اشغالگر صهیونیستی
ضریب جینی (درصد)	۳۸/۳۵	∞	۴۳/۲۳	۳۱/۱۸	۳۴/۴۱	∞
سهم ۴۰٪ خانوارهای کم‌درآمد (درصد)	۱۷/۴	∞	۱۵/۰	۲۲/۰	۲۱/۶	∞
سهم ۴۰٪ خانوارهای با درآمد متوسط (درصد)	۳۷/۵	∞	۳۶/۲	۳۷/۲	۳۶/۸	∞
سهم ۲۰٪ خانوارهای با درآمد بالا (درصد)	۴۵/۱	∞	۴۸/۸	۴۰/۸	۴۱/۵	∞
نسبت ۱۰٪ ثروتمندترین به ۱۰٪ فقیرترین خانوارها	۱۱/۷	∞	۱۷/۴	۶/۸	۷/۲	∞

ماخذ: ۲۰۰۸، WDI online, the World Bank Group

۱- آمار ایران، ترکیه و پاکستان مربوط به سال ۲۰۰۵ و آمار مصر مربوط به سال ۲۰۰۴ است. برای عربستان سعودی و رژیم اشغالگر صهیونیستی نیز طی دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ آماری ارائه نشده است.
۲- آمار ترکیه از منبع PovcalNet در پایگاه اطلاع‌رسانی بانک جهانی استخراج شده است.

۲۰-۲-۱۲- شاخص توسعه انسانی

بررسی را براساس مقادیر این شاخص در سه گروه توسعه انسانی بالا (بالتر از ۰/۸)، توسعه انسانی متوسط (۰/۷۹۹ تا ۰/۵) و توسعه انسانی پایین (کمتر از ۰/۵) طبقه‌بندی کرده است^(۱).

شاخص توسعه انسانی^(۱) با در نظر گرفتن ابعاد مختلف توسعه اقتصادی و اجتماعی، معیاری برای رتبه‌بندی کشورها از نظر پیشرفت‌های توسعه انسانی ارائه می‌کند. گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد، کشورهای مورد

۲- برای توضیحات بیشتر به قسمت ۹-۸ (فصل نهم) مراجعه شود.

۱- Human Development Index (HDI)

فصل ۲۰ مقایسه اقتصاد ایران با کشورهای منطقه

فضای کسب و کار طی سه دوره اخیر در پیش گرفت؛ به طوری که رتبه آن در مقایسه با سایر کشورها از ۹۱ در دوره ۲۰۰۵-۰۶ به ۵۹ در دوره ۲۰۰۷-۰۸ کاهش یافت. همچنین، مصر که در پایین‌ترین رتبه در دوره‌های ۲۰۰۴-۰۵ و ۲۰۰۵-۰۶ در میان کشورهای عمده منطقه قرار داشت، با انجام اصلاحات قابل ملاحظه‌ای در فضای کسب و کار، وضعیت خود را بهبود بخشید و رتبه بالاتری را در دو دوره بعدی کسب نمود. با توجه به ارتقای قابل ملاحظه مصر، ایران با فاصله زیادی نسبت به کشورهای رقیب در دوره‌های ۲۰۰۶-۰۷ و ۲۰۰۷-۰۸ در پایین‌ترین جایگاه قرار گرفت. رتبه‌بندی کلی سهولت کسب و کار نیز نشان می‌دهد که طی دوره‌های مورد بررسی، در وضعیت کسب و کار ایران در مقایسه با سایر کشورها بهبود حاصل نشده است.

جدول ۲۰-۱۴- شاخص سهولت کسب و کار (۱)

دوره	دوره				کشور
	۲۰۰۷-۰۸	۲۰۰۶-۰۷	۲۰۰۵-۰۶	۲۰۰۴-۰۵	
۱۴۲	۱۳۸	۱۱۹	۱۱۳	ایران	
۱۶	۲۴	۳۸	۳۵	عربستان سعودی	
۵۹	۶۰	۹۱	۸۴	ترکیه	
۷۷	۷۴	۷۴	۶۶	پاکستان	
۱۱۴	۱۲۵	۱۶۵	۱۶۵	مصر	
۳۰	۳۰	۲۶	۲۶	رژیم اشغالگر صهیونیستی	

۱- اطلاعات مربوط به دوره‌های ۲۰۰۴-۰۵ و ۲۰۰۵-۰۶ از گزارش Doing Business سال ۲۰۰۷ و سایر دوره‌ها از گزارش Doing Business سال ۲۰۰۹ استخراج شده است. شایان ذکر است تعداد کشورها و متدولوژی مورد استفاده در محاسبه شاخص سهولت کسب و کار در طول زمان تغییر کرده است. تعداد کشورها در گزارش سال ۲۰۰۷، ۱۷۵ کشور و در گزارش سال ۲۰۰۹، ۱۸۱ کشور است.

جدول زیر وضعیت ایران و مهم‌ترین کشورهای منطقه را در شاخص توسعه انسانی طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ نشان می‌دهد. رژیم اشغالگر صهیونیستی و پاکستان به ترتیب بهترین و بدترین رتبه را در میان کشورهای مورد بررسی طی دوره مزبور کسب کرده‌اند. ایران در سال ۲۰۰۶ با مقدار شاخص ۰/۷۷۷، رتبه هشتم و چهارم را در میان ۱۷۹ کشور جهان و رتبه چهارم را در میان کشورهای رقیب در منطقه به دست آورده است. با توجه به مقادیر شاخص مزبور در سال ۲۰۰۶، ایران، ترکیه، پاکستان و مصر در گروه کشورهای با توسعه انسانی متوسط و عربستان سعودی و رژیم اشغالگر صهیونیستی در گروه کشورهای با توسعه انسانی بالا طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۲۰-۱۳- شاخص توسعه انسانی

کشور	سال			
	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳
ایران	۰/۷۷۷	۰/۷۷۰	۰/۷۵۴	۰/۷۴۶
عربستان سعودی	۰/۸۳۵	۰/۸۳۲	۰/۸۲۸	∞
ترکیه	۰/۷۹۸	۰/۷۹۱	۰/۷۸۵	۰/۷۸۱
پاکستان	۰/۵۶۲	۰/۵۴۸	۰/۵۲۶	۰/۵۱۸
مصر	۰/۷۱۶	۰/۷۱۲	۰/۷۰۹	۰/۷۰۴
رژیم اشغالگر صهیونیستی	۰/۹۳۰	۰/۹۲۷	۰/۹۲۳	∞

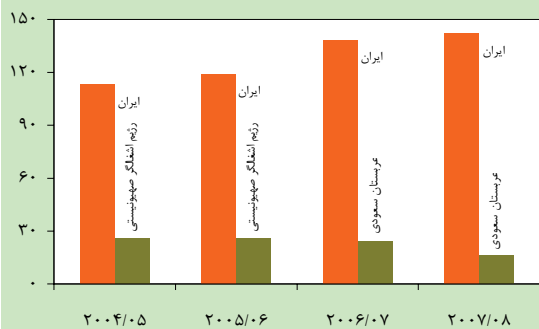
مآخذ: Human Development Report, ۲۰۰۷/۰۸, UNDP

۲۰-۲-۱۳- شاخص سهولت کسب و کار

شاخص سهولت کسب و کار نشان‌دهنده وضعیت قوانین و مقررات حاکم بر فضای کسب و کار هر کشور در مقایسه با سایر کشورها است. براساس این شاخص، عربستان سعودی که در دوره‌های ۲۰۰۴-۰۵ و ۲۰۰۵-۰۶ پس از رژیم اشغالگر صهیونیستی در مکان دوم در میان کشورهای رقیب منطقه قرار داشت، در دوره‌های ۲۰۰۶-۰۷ و ۲۰۰۷-۰۸ به جایگاه نخست ارتقا یافت^(۱). ترکیه نیز روند مطلوبی را در بهبود

نمودار ۲۰-۱۱- رتبه سهولت کسب و کار در ایران و کشور اول رقیب

در منطقه



۱- از آنجا که رتبه‌بندی کشورها در گزارش‌های Doing Business منتشر شده در هر سال براساس اطلاعات موجود تا یک مقطع زمانی مشخص در نیمه اول سال قبل از آن صورت می‌گیرد، در این بخش به جای سال به دوره اشاره شده است.

کادر شماره ۱۶- شاخص سهولت کسب و کار

شاخص سهولت کسب و کار از گزارش‌های Doing Business بانک جهانی استخراج می‌شود. این گزارش‌ها، نماگرهای مقداری را در خصوص قوانین و مقررات کسب و کار و حمایت از حقوق مالکیت به منظور شناسایی و بهبود وضعیت فضای کسب و کار کشورها ارائه می‌کنند. در گزارش‌های مزبور، مقرراتی که ده مرحله از عمر یک کسب و کار (از زمان شکل‌گیری تا انحلال) را متأثر می‌سازند، مورد ارزیابی و مقایسه قرار می‌گیرند که این مراحل عبارتند از: شروع کسب و کار (فرآیند ثبت شرکت)، اخذ مجوزها، استخدام نیروی کار، ثبت مالکیت، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، اعمال قراردادهای و انحلال یک فعالیت. بانک جهانی با توجه به ده عنوان فوق، رتبه سهولت کسب و کار را محاسبه و به صورت مقایسه‌ای برای تمامی کشورها گزارش می‌نماید. شایان ذکر است شاخص سهولت کسب و کار هر کشور از متوسط ساده رتبه‌بندی‌های صدکی هریک از ده عنوان مزبور محاسبه می‌شود. رتبه‌بندی هر عنوان نیز متوسط ساده رتبه‌بندی‌های صدکی نماگرهای سازنده آن است.